

دینکرد هفتم

س ۶۱۴۰۱ - ۱۴۱۹۲

کتابخانه و مرکز اطلاع
بنیاد دایرة المعارف

تصحیح متن، آوانویسی، نگارش فارسی،

واژه نامه و یادداشتها

محمدتقی راشد محصل

دیباچه

دینکرد، مهمترین متن فارسی میانه، چنانکه غالباً می‌پندارند به معنی «کرده دین» یا «اعمال دینی» و یا «تألیف دینی»^۱ است. این کتاب همانگونه که از نام آن بر می‌آید بر پایه مطالب اوستا و شرح آن یعنی زند استوار است و از این رو نام کتاب موضوع آن را نیز مشخص می‌کند. این اثر را دومناش «دائرةالمعارف دین مزدایی» می‌شمارد^۲ و با توجه به مطالب آن نامی مناسب نیز هست. اثری است گردآوری شده (= Kardag). نام دو تن از این گردآورندگان در آخرین فصل کتاب سوم آن یاد شده است^۳ و آگاهی‌هایی درباره گردآورندگان و درونمایه کتاب نیز در این فصل آمده است. بر پایه این یادکردها و بنا بر تصریح گردآورندگان این کتاب بر اساس الهام دین به مزدیسنی به پیامبر آن زردشت تنظیم شده و مطالب آن در بردارنده دانش‌هایی است که زردشت به نخستین پیروان خویش (اوستایی: Paoiriiō.tkaēša؛ پهلوی: Pōryōtkēšān آموخته است. سرگذشت کتاب نیز آنگونه که در آن آمده است همانند خود کتاب اوستاست، بدین گونه: فرمانروایی تازیان و آشفتگی پایان دوره ساسانی سبب پراکندگی این مجموعه می‌شود تا آنکه آذرفرنبغ پسر فرخزاد، پیشوای بزرگ زردشتیان فارس، که همزمان با مأمون عباسی (۱۹۸-۲۱۷ هـ) بود، به گردآوری و تنظیم

۱ - — تفضلی ۱۳۷۶، ص ۱۲۸. بر حسب اینکه kard را که صفت مفعولی از مصدر kardan است، به معنی «کرده یا عمل» بگیریم یا به معنی «ترکیب» بپنداریم. «کرد» در معنی اخیر با پیشوند ham در متنهای فارسی میانه به کار رفته است.

2 - — De Menace, 1958 une Encyclopédie mazdénne, Le Denkard, Paris.

3 - — De Menace 1973, Le troisieme. livre de Denkard, Paris, PP. 379-380

مجدد آن همت می‌گمارد. کار این ویراستار به سبب بلایی که برای فرزندش پیش می‌آید، ناتمام می‌ماند. این آذرفرنبغ موبدی شناخته و فرهیخته بوده است و آنگونه که از نوشته‌ها بر می‌آید در حضور مأمون عباسی با عبدالله نامی مباحثه می‌کند و حاصل این گفتار کتابی است به زبان پهلوی به نام «گجستک ابالیش» که نشان دهنده تسلط فرنبغ بر مباحث و مسائل دینی زمان است. پس از فرنبغ موبد دیگری به نام آذرباد فرزند امید^۱ بر گردآوری مجدد کتاب همت می‌گمارد و آنچه امروز در دست است ظاهراً همان است که او آخرین بار فراهم آورده و خود بر آن نام «دینکرد هزار فصل»^۲ گذاشته است و بنا به یادکرد او نیز این کتاب الهام خداوند به زردشت است که نسل به نسل به سنت، شفاهی تا زمان او رسیده است.

آذرباد امیدان همزمان معتمد عباسی (۲۵۶-۲۷۹ هـ) است. کتاب بندهش او را از هم‌عصران زادسپرم، صاحب کتاب گزیده‌ها دانسته است بنابر این آخرین تألیف کتاب مربوط به قرن سوم هجری است.^۳

دینکرد موجود که به گمان وست ۱۶۹۰۰۰ واژه دارد، در اصل از نه کتاب تشکیل می‌شده است. امروز کتاب یکم و دوم و بخشی از کتاب سوم از میان رفته است. از خلال مطالب کتاب هشتم می‌توان دورنمایی از دینکرد کهن را دریافت و بخش‌های از میان رفته آن را باز شناخت. در این گفتار به یادکرد کوتاهی از کتاب هفتم دینکرد بسنده می‌کند:^۴

مطالب کتاب هفتم دینکرد بر گرفته از سه نسک اوستای کهن یعنی: سپند نسک، چهرداد

۱ - پهلوی: Adurbād ī ēmēdān.

۲ - هزار در این نامگذاری نشانه کثرت است آنگونه که در موارد دیگر نیز معمول است.

۳ - این تنها موردی نیست که هویت امید را مشخص می‌کند. مسعودی در التنبیه از دو شخص به نام امید یا انماد نام می‌برد. در یک جا از موبدی به نام اسفندیار پسر آذرباد پسر انمید (به جای ایمید = امید) یاد شده که در سال ۳۲۵ هـ ق می‌زیسته است. این اشاره نیز می‌تواند مؤید سخن بالا باشد. اما همین مؤلف از موبدی به نام انماد پسر اشوهشت نیز نام برده است که هم‌عصر خود او یعنی سال ۳۴۵ (سال تألیف التنبیه) بوده است و دومناش گمان می‌کند که این انماز همان امیدگردآورنده دوم دینکرد است و اگر این اشاره معتبر باشد تدوین نهایی دینکرد قرن چهارم هجری قمری است (تفضلی ۱۳۷۶ ص ۱۳۰).

۴ - تاوادیا، ۱۳۴۸ ادبیات دوره میانه، ترجمه سیف‌الدین نجم‌آبادی، تهران ص ص ۴۹-۹۰.

نسک و وشتاسپ ساست (= آموزه‌های گشتاسپ) است. کتاب هشتم دینکرد، که فهرست مطالب اوستای کهن است، در فصل چهاردهم به توصیف سپند نسک پرداخته است و تصریح می‌کند که سرگذشت دین و زندگی زردشت در این نسک بوده است. در فصل سیزدهم مطالب چهاردهم نسک و در فصل یازدهم خلاصه وشتاسپ ساست آمده است. شرح زندگی زردشت بجز کتاب هفتم دینکرد در منابع دیگر از جمله کتاب پنجم دینکرد، گزیده‌های زادسپرم، بندهش، روایت پهلوی و نیز در متنهای روایی مانند: زراثشت‌نامه بهرام پژدو و منابع اسلامی مانند: ملل و نحل شهرستانی نیز آمده است که همه این کتابها مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از مطالب سه نسک یاد شده هستند. کتاب هفتم را به سبب آنکه در بردارنده شرح زندگی زردشت است، «زردشت‌نامه» نیز گفته‌اند. بر رویهم کتاب یازدهم فصل دارد. فصل نخست آن بنابر تقسیم‌بندی سنجانا ادامه «مقدمه» انگاشته شده است و بدین سبب بر اساس تقسیم‌بندی او کتاب ده فصل دارد. برخی از دانشمندان از جمله موله، مقدمه را واکنش دینی زردشتیان در برابر مانویت دانسته‌اند چه در مقدمه، گفتگو از همه بزرگانی است که از زمان کیومرث تا زردشت آمده و الهام ایزدی را دریافته‌اند، زردشتیان با یادکرد این فصل خواسته‌اند، خود را وارث همه پیام‌آوران پیشین معرفی کنند؛ اما تاوادی موضوع را اینگونه توجیه نمی‌کند و می‌گوید که در این بخش سخن از وحی یزدانی نیست بلکه ذکر انجام دادن پاره‌ای از کارهاست که به وسیله این پادشاهان یا بزرگان انجام داده شده است و زردشت میانجی این سلسله رُخدادهاست، آغازی که دین در آن آشکار شد و پایانی که بار دیگر جهان پاک و دین بازسازی می‌شود.^۱

پس از مقدمهٔ چهل و چهار بندی، فصل کوتاهی می‌آید که در حقیقت فهرست فصلهای دینکرد هفتم است و در تقسیم‌بندی این دفتر فصل یکم به شمار آمده است که سنجانا آن را ادامه مقدمه دانسته است در ده فصل دیگر رویدادهای زندگی زردشت را از آنگاه که فروهر او

آفریده شد تا زمانی که در زهدان مادر قرار گرفت و رویدادهای شگفتی که بر مادر او یا مادر بزرگش در این مدت گذشت، و آنگاه زادن شگفت‌انگیز او و بدسگالیهای جادوگران زمان برای نابودیش، نجات معجزه‌آسای زردشت کودک، رشد دوران کودکی، وصف جوانی و رسیدن او به همپرسیگی اورمزد تا رسیدن او به درگاه گشتاسپ و آنچه در این بارگاه بدو رسید تا زمان گرویدن گشتاسپ و سپس اعتلای دین و گِرویش دینوران، همه در این کتاب آمده است.

رخدادهای پس از مرگ زردشت و وقایع هزاره‌های دینی، قیام و ظهور بهرام ورجاوند، پشوتن گشتاسبان و نجات‌بخشان سه‌گانه، فرزندان زردشت یعنی اوشیدر، اوشیدرماه و سوشیانس نیز در سه فصل پایانی کتاب آمده است. روش نویسنده آن است که در آغاز هر فصل فهرستی از مطالب آن فصل را بازگو می‌کند و سپس به شرح مطلب می‌پردازد. مطالب کتاب افسانه‌ای نسنجیده و بی‌ارزش نیست، بلکه مجموعه‌ای است گیرا و شاعرانه که در آنها حقایق اسطوره‌ای به زیبایی بازگو شده و جذب و کشش ادبی آن هنوز هم از پس قرن‌ها آشکار است. رنگ نثر اوستایی و آهنگ کلام دین را از ورای جمله‌ها و واژه‌های آن به خوبی می‌توان دریافت.^۱

نسخه‌های یاد شده در این پژوهش:

در این دفتر از سه نسخه دینکرد با مشخصات زیر استفاده شده و واژه‌های با یکدیگر سنجیده شده و به اختلاف نسخه‌ها در بخش یادداشتهای آوانویسی اشاره شده است:

۱. دستنویس عکسی B «کاما اورنیتال انستیتو» که درسدن آن را در سال ۱۹۶۶ در ویسبادن به صورت عکسی چاپ کرده است (با کوتاه‌نوشت D).^۲

۲. نسخه تصحیح شده سنجانا که بخش دوم جلد سیزدهم و همه جلد چهاردهم مجموعه دینکرد او را در بر می‌گیرد. سنجانا متن را آوانویسی نیز کرده و ترجمه‌ای به انگلیسی و

۱ - برخی از بخشهای این متن آهنگ شعری دارد و آن را در ردیف اشعار فارسی میانه به شمار آورده‌اند. (← میرزا، ۱۹۸۵).

۲ - نسخه درسدن از صفحه 363 [=469] آغاز و به صفحه 305 [526] پایان می‌پذیرد. در این میان از اواسط بند ۵۴ فصل سوم تا آغاز فصل پنجم یعنی هشت صفحه افتادگی دارد.

گجراتی نیز از آن آورده است (با کوتاه‌نوشت S).

۳. نسخه چاپ شده مدن که از صفحه ۵۹۱ جلد دوم آغاز، و در صفحه ۶۷۶ پایان می‌پذیرد (با کوتاه‌نوشت M).

۴. علاوه بر این سه نسخه که همه متن را در بردارد، نیبرگ در راهنمای زبان پهلوی، جلد اول نیز آن بخش از متن را که به زندگی زردشت اختصاص داشته است تصحیح کرده و به چاپ رسانیده است که از این متن نیز در جای خود استفاده شده است. (با کوتاه‌نوشت N).^۱ صفحه متنهای یاد شده در کناره صفحه‌های آوانویسی آمده است.

شماره‌گذاری بندها بر اساس شماره‌گذاری سنجانا است و با متن آوانویسی شده موله در همه جا هماهنگ نیست.^۲ ترجمه‌های انجام شده:

کهن‌ترین ترجمه انجام شده از کتاب ترجمه انگلیسی وست است که نخستین گام جدی است که برای دریافت این متن دشوار برداشته شده است و هنوز هم پاره‌ای از دریافتهای اوست ارزش علمی خود را دارد، ترجمه دیگری به انگلیسی و نیز گجراتی از سنجانا در پایان جلد سیزدهم و چهاردهم آمده که آن هم گرچه امروزه چنانکه باید معتبر نیست اما زیرنویس‌های سودمندی دارد که جای جای، قابل استناد است.

آوانوشت و ترجمه فرانسوی همراه با یادداشتهای از موله در کتاب: «اسطوره زردشت بنابر متنهای پهلوی» به دست داده شده است که دریافتهای دقیق و درست فراوان دارد و در این ترجمه نیز بسیار سودمند افتاده است. به زبان فارسی ترجمه کاملی از متن در دست نیست مؤلفان کتاب «اسطوره زندگی زردشت» بخش‌هایی از کتاب را که به زندگی زردشت ارتباط داشته است به فارسی برگردانیده‌اند و نیز بخش‌های پراکنده‌ای از آن در کتاب «پژوهشی در

۱ - از آغاز فصل دوم تا آغاز فصل پنجم و در این میان بندهایی از فصل چهارم را نیاورده که در جای خود به آنها اشاره شده است.

۲ - برای مشخصات کتابها ← کتاب‌نامه.

اساطیر ایران» (از مهرداد بهار) «نجات بخشی در ادیان»، ترجمه «گزیده‌های زادسپرم» (هر دو از نگارنده) به مناسبت ترجمه شده است که این همه نگارنده را سودمند افتاده و از آنها بهره‌ها برده و زحمات همگی را ارج می‌گذارد و سپاس می‌گوید. آوانویسی متن به طور کلی بر روش مکنزی در کتاب «فرهنگ کوچک پهلوی» او مبتنی است.

نگارنده چنین می‌پندارد که نام ترجمه گذاشتن بر متنهایی که از زبان پهلوی به فارسی نوشته می‌شوند، دقیق و درست نیست زیرا زبان فارسی ادامه زبان پهلوی است و زبان دیگری نیست که بتوان صورتهای فارسی نو را ترجمه آن به شمار آورد تنها تفاوت خطی، میان این دو زبان جدایی افکنده و گمان عموم بر آن است که زبانی دیگر است و از این رو بر بازنویسیهایی که از متنهای پهلوی انجام شده است، غالباً نام ترجمه نهاده‌اند؛ متن فارسی ارائه شده را ترجمه نمی‌بیند بلکه آن را تحریری به فارسی نو می‌پندارد و بر همین اساس به آن عنوان «نگارش فارسی» داده است. بخش سوم کتاب متن پهلوی آن است و حاصل، تصحیحی است که نگارنده از متن ارائه کرده است. بخش چهارم آن واژه‌نامه پهلوی - فارسی نو است و ویژگیهای آن در آغاز واژه‌نامه یاد شده است.

محمد تقی راشد محصل، شهریور ماه ۱۳۸۲

با سپاس از:

جناب آقای زعفرانچی و جناب آقای رحمت‌پور مدیران انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و فرد فرد همکاران ایشان که آماده‌سازی کتاب برای چاپ، و پی‌گیری کار تا مرحله انتشار بی‌مساعدت آنان امکان نداشت. و با تشکر ویژه از جناب آقای مبارکه که صفحه‌آرایی، تایپ کامپیوتری و طرح‌ریزی حروف پهلوی نتیجه زحمات ایشان است.

شهریور ۱۳۸۸، محمد تقی راشد محصل

نور
مکات

آوانویسی و یادداشت‌های آن
الف - آوانویسی

①

M:591 | *šnāyišn dādār ohrmazd pad-iz spurr-āfrīgānih*

D: {³⁶³
[469]
S: V.13 p.1

wisp-āgāhīh pēsīd dēn <ī> māzdēsna

andar gēhān

1 haftom abar abdīh ī dēn <ī> māzdēsna¹ mahist
āštag spitāmān zarduxšt, ān čē ōy warzāwnad pad
ohrmazd āštagīh u-š dēn pad gōwišn ī ohrmazd
būd-andar wištāspšāh kišwarīgān wābarīgānihistan², az
nigēz ī weh dēn.

2 be pēš az ān čē weh-dēn čīhr ud dahišn <ud>
rawāgīh u-š padīriftār ī fradom pad mēnōg ud gētīg
ud az ān pas waxšwarān ud³ frēstagān ud⁴
āwarēnīdārān ī andar zamānag tā yašt frawahr
zarduxšt u-šān nihang-ē az gōwišn ud warz kē padīš
andar mardōm pad waxšwarīh wābarīhist hēnd, nibišt
čimīg.

- 3 hād az dēn ī māzdēsna⁵ nigēz ī weh dēn čīhr
ohrmazd xēm u-š dahišn⁶ pad ham wiyāftih⁷ ī
fradom dām wahman amahraspand⁸; ud ruwāgih
fradom mēnōgihā andar amahraspandān abārig
yazadān mēnōgān yazadān; ud gētīgihā: andar
gyaōmart ī fradom mard pad hangirdig bowandag
padiriftārīh ī az dādār ohrmazd.
- 4 ud niyāzag wizārdārīh⁹ ī andar xwēš zamānag pad
menīdārīh ud padiš wānīdārīh ī druǰ ī ān zamānag
ud petyārag, u-š az dādār hammōg-menišn hamāg ān
ī ohrmazd dēn, gōwišn fradom.
- 5 az weh-dēn paydāgih | ī abar bawišn dahišnīh ī spās ī
M:592 ōy ī bawēnīdār ud dādār spenāg-mēnōg. abar
mardōm fradom niyāzag ēn kū: nek amā!¹⁰ ohrmazd
5:3 dahišn hēm. | ud ān ī abdom abar bōxtagih čār ī
mardōm pahlom ēn kū gaiiān kunišn pahlom: nūn
ka-š wēmārēnīd axwān ī mardōm, nūn ka ēbgat ō
dāmān mad.
- 6 mardōmān ī az paywand ī¹¹ gayōmart čiš-ē ēn weh
ka kār ud kirbag kunēnd u-š kunišn ān ī xwēš
hamēstār druǰ wānīdan. handāzag-dahišnig ō
paywandig, kū-tān har ēk frēzbānig ast xwēš hamēstār
druǰ wānīdan, ān ī padiš bawēd. a-petyāragih ud